

سال دوم، شماره پنجم، تابستان ۱۳۹۲

حجاب و حجاب‌گریزی با رویکرد مهندسی فرهنگی – انتظامی (مورد مطالعه: شهر سنندج)

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۵/۲۱

کامبیز ملایی*، طاهره الهی^۲

چکیده

حجاب هر چند حائلی برای فرد محسوب می‌شود، اما به‌طور کلی چادری بسیار بزرگ برای جامعه و تداوم امنیت پایدار قلمداد می‌گردد. هر چه حجاب مبنایی برای گسترش عفاف و تحقق امنیت باشد، حجاب‌گریزی با نا امنی توافق حاصل می‌نماید. حجاب‌گریزی یکی از مشکلاتی است که راه حل فوری ندارد، یعنی نیاز به نهادینه کردن فرهنگی دارد. حجاب را در چارچوب تشدید مجازات عملیاتی کردن، نهادینه کردن اجباری است که تغییر ساختاری در این زمینه را به تاخیر خواهد انداخت.

حجاب‌گریزی اگر گسترش یابد به بدحجابی و بی‌حجابی تبدیل می‌گردد که در نهایت با امنیت اجتماعی رابطه معکوسی خواهد یافت. براین اساس از مدلی علی با اشاره به چهار محیط اجتماعی بهره گرفته شده است. این چهار محیط عبارتند از: ۱. محیط خانوادگی؛ ۲. محیط تحصیلی؛ ۳. محیط اتفاقی؛ ۴. محیط انتخابی.

مقاله حاضر جزء مطالعات توصیفی تحلیلی و در آن از روش تحقیق پیمایشی استفاده شده است. حجم نمونه با توجه به حجم جامعه آماری، ۱۸۰ نفر تعیین گردیده است. از کل طیف محجبه تا بدحجاب که با شاخص ۴۰۰ درصدی سنجیده شده است، ۱۴۵٪ باحجاب متوسط، ۱۳۶٪ بدحجاب و ۱۱۹٪ افراد محجبه قرار گرفته‌اند. با استفاده از تکنیک تحلیل مسیر، تاثیر متغیر فقدان الگوهای عینی بر عامل مهندسی فرهنگی به‌طور مستقیم ۲۳۲٪ و به‌طور غیرمستقیم ۲۹۸٪ بوده که تاثیر کلی این شاخص برابر با ۵۳۰٪ بوده است. بر اساس نتایج بدست آمده وضعیت تاهل، سن، محل سکونت، محل تولد، سطح تحصیلات و... هیچگونه تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر رعایت حجاب یا عدم آن نشان نداده‌اند و از سوی دیگر بین حجابی که واقعا در جامعه رعایت می‌شود و حجابی که زنان و دختران دوست دارند داشته باشند، شکافی عمیق در حال به‌وجود آمدن است.

واژگان کلیدی: حجاب، عفاف، امنیت، حجاب‌گریزی، امنیت اجتماعی.

1. * نویسنده مسئول، کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی و مدیر اداره نیازسنجی و پروژه‌یابی معاونت فرهنگی جهاددانشگاهی استان زنجان

Email: Kambizmolai@gmail.com

2. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه زنجان

مقدمه

حجاب در فرهنگ ملی و اسلامی ما از جایگاه رفیعی برخوردار است. بین حجاب و اصل دین، پیوندی ناگسستنی وجود دارد. آنچه اسلام مطرح فرموده، حدود و مقرراتی است که برای زنان و مردان وضع نموده است. همه این قوانین برای حفظ شخصیت اصیل زن و مرد و سلامت جامعه صورت گرفته است. از سویی دیگر خود کلمه حجاب بار خنثی دارد و قایل به حجاب گرایی و حجاب گریزی نیست و این تعاریف هستند که آنرا شکوفا نموده و منظور اصلی را تحکیم می‌بخشند. مهم‌ترین مصداق "عفاف"، "پوشش" یا "حجاب" است. اگرچه عفاف و پوشش، خاص فقط زنان نیست ولی به دلیل ظرافت‌ها، جذابیت‌های خدادادی خاص زنان و نقش مهمی که در سازندگی جامعه و خانواده به عهده دارند این امر برای زنان بیشتر مورد تاکید قرار گرفته است (شایگان، ۱۳۸۷: ۲).

امروزه بحث پوشش نه تنها از منظر دین، که از منظر جامعه‌شناسی^۱ و روانشناسی اجتماعی^۲ به‌عنوان یکی از الزامات سلامت جامعه و تحکیم مبانی "خانواده" مطرح است. استحکام و دوام خانواده رمز بقای جامعه و سلامت روح و روان اعضای آن است و با نگاهی عمیق‌تر و حساس‌تر به "امنیت اجتماعی"^۳، رمز ایجاد و بقای آن به خانواده بر می‌گردد اگرچه رابطه و تعامل دوجانبه‌ای بین امنیت اجتماعی و استحکام خانواده وجود دارد. (همان)

بالاخره، برخی تفسیر خود از مذهب را پایه و مبنای برخورد با پدیده "حجاب‌گریزی" و "بدحجابی" قرار می‌دهند و برخی نیز معتقدند برخورد با "بی‌حجابی" که جوانان اکثر مصادیق آن را تشکیل می‌دهند، تنها برخورد با معلول است و بی‌توجهی به علت. در هر صورت باید توجه داشته باشیم که، دو سوم جمعیت کشور را جوانان زیر ۳۰ سال تشکیل می‌دهند که ۶۰ درصد آنها دختر هستند. لذا عفاف و حجاب از مباحث بسیار مهم کشور هم به‌لحاظ شرعی و هم به‌لحاظ فرهنگی و امنیتی است.

طرح مسئله

سخن را با واژه حجاب‌گریزی آغاز نمودن، به‌نظر درست نباشد چون واژه‌ای است که بار منفی دارد. اما چون این واژه با مفاهیمی هم‌چون حجاب، بدحجابی، روابط و خیلی موارد دیگر، ارتباط بسیار تنگاتنگ دارد. بنابراین محقق بر خود لازم میدانند در ابتدا مفاهیم حجاب و

1. sociology
2. Social psychology
3. Social security

بدحجابی را بشکافد و سپس زمینه‌ای برای تفهیم بهتر حجاب‌گریزی بگشاید. هم‌چنین این واژه آمیختگی بسیار بالایی با مذهب^۱، اجتماع^۲، فرهنگ^۳، مدگرایی و شبکه ارتباطات جدید و نیز با امنیت عمومی، اخلاقیات و... دارند، که عملاً حیطه شناخت و تجزیه و تحلیل را بسیار پیچیده می‌سازد. از سوی دیگر حجاب‌گریزی دارای دو جنبه است:

۱. احساسی که در ذهن نسبت به حجاب به وجود می‌آید؛

۲. عملی که مشخصاً و آشکاراً به انجام می‌رسد.

جنبه اول را بیشتر حجاب‌گریزی و جنبه دوم را بدحجابی و در مراحل بالاتر بی‌حجابی می‌دانند.

با این مقدمه کوتاه به جا و شایسته است که مفاهیم کلیدی مقاله را بهتر تعریف و تشریح نماییم. واژه یا مفهوم "حجاب" به معنی "پوشیدن" است. از اصطلاح فقها، کلمه "ستر" به کار رفته است که به معنی پوشش است.

به‌طور کلی و در یک کلام: حجاب در لغت به معنای: حایل شدن، پوشاندن، مانع شدن، پرده، پوشش، لباس، پارچه و هر چیزی که چیز دیگر را بپوشاند یا هر مانع و حایل و فاصله میان دو یا چند چیز است. بی‌گمان حجاب را از زوایای بسیاری می‌توان، نگریست. اگر از دیدگاه مذهب به حجاب بنگریم حجاب بسیار با اهمیت خواهد بود.

ادبیات دیدگاه مذهبی پر از جملاتی نظیر: "حجاب نشانه عفت است، نشانه پاک‌زیستی زن است" همان‌گونه که "لختی زن غربی نشانه بی‌بند و باری و بی‌شرم و حیایی اوست"، "ای زن به تو از فاطمه اینگونه خطاب است، ارزنده‌ترین زینت زن حفظ حجاب است" و یا "حجاب هم‌چون صدفی برای مروارید" است. بی‌گمان اینگونه نگریستن به مسئله حجاب، نشان‌گر ضرورت و اهمیت آن در اسلام می‌باشد. همان‌گونه که تا قانون وجود نداشته باشد، بی‌قانونی معنای خاصی ندارد، تا اصول و احکام حجاب نیز وجود نداشته باشد، بی‌حجابی، بدحجابی و حجاب‌گریزی بی‌مفهوم خواهد بود (آملی، ۱۳۸۶: ۳۵۱).

من حیث مجموع عظمت و کمال زنان در این است که مردان نامحرم را نبینند و مردان نیز آنان را نبینند (بحارالانوار، ج ۳: ۱۰۳: ۲۳۸). زن در حقیقت امانت‌دار خداست (آملی، ۱۳۸۶: ۳۵۱) و یکی از راه‌های حفظ این امانت، عفاف و حجاب او است.

استاد مطهری^(ه) می‌گویند: وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده است، بدین معنی

نیست که از خانه بیرون نروند، زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست بلکه پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد (مطهری، ۱۳۶۶: ۶۴).

از سوی دیگر، دو واژه "حجاب" و "عفت" در اصل معنای منع و امتناع مشترک هستند. تفاوتی که بین منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و باطن است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی منع و بازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است؛ چون عفت یک حالت درونی است، ولی با توجه به این که تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است؛ بنابراین، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل است؛ بدین ترتیب که هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه باطنی و درونی عفت، تأثیر بیشتری دارد؛ و بالعکس هر چه عفت درونی و باطنی بیشتر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌گردد.

پوشش و عفاف برای زن بر اساس آیه ۵۹^۱ سوره مبارکه احزاب و آیه ۳۱^۲ سوره مبارکه نور، باید تمام بدن، حتی موی سر، گوش و گردن، روی پا و ساق دست زن را بپوشاند و تنها از مسج دست تا انگشتان و قرص صورت زنان، می‌تواند نمایان باشد. (سوره احزاب/آیه ۵۹ و سوره نور/آیه ۳۱)

در بررسی به عمل آمده عوامل و ریشه‌های بی‌حجابی و حجاب‌گریزی شامل توسعه شبکه‌های ارتباطی، تغییراتی که در خانواده‌ها صورت گرفته است، "عدم بروزرسانی مفاهیم" و مباحث دینی و مذهبی مرتبط با عفاف و حجاب و موارد بسیار دیگری می‌باشد. اینک با دیدی انتظامی فرهنگی بحث را ادامه می‌دهیم.

شایان ذکر است نهاد دینی یکی از نهادهای بسیار مهم در هر جامعه‌ای است که اعتقادات افراد انسانی را نسبت به ماوراء - در مورد ادیان الهی - سازمان می‌دهد که مباحث مرتبط با آن، در تحلیل‌های فرهنگی قابل بررسی و طرح خواهد بود. (واخ، ۱۳۷۹: ۲۵)

در هر دینی - البته توحیدی - مواردی جهت حفظ اقشار آسیب‌پذیر در نظر گرفته شده است که در قالب احکام و اعمال پیاده‌سازی می‌شوند. این حالت در دین مبین اسلام در نهایت اعلاء و درجه خود قرار گرفته است و در قالب عفاف و حجاب مورد بحث قرار گرفته است.

افراد انسانی و به‌ویژه زنان و دختران نیاز به ارتباط و رابطه با جامعه و افراد دیگر دارند تا

۱. ...بدین علین جلابیهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یوذین

۲. ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها

حیات به قوت خود ادامه یابد. روابط افراد را ناگزیر از حفظ حریم‌های خاصی می‌کنند که اشخاص باید برای خود در نظر بگیرند. اینک در این رابطه‌ها اگر زنان و دختران با حجاب وارد یک رابطه اجتماعی شوند، به‌طور سیستماتیک حفظ حریم نیز نموده‌اند. در غیر این‌صورت حریم‌ها توسط اشخاصی که آن طرف رابطه‌ها قرار دارند بسیار نزدیک‌تر قلمداد شده در نتیجه دو حیطه اخلاقیات و امنیت بشدت با خطر مواجه می‌شوند. زمانی که ذهن (اخلاقیات) و عمل (بی‌حجابی) منطبق گردند، آسفتگی و آنومی در جامعه رواج می‌یابد و عملاً اولین افرادی که تحت شعاع قرار می‌گیرند همان اقشار آسیب‌پذیر و به‌ویژه زنان و دختران هستند. هر چند این روند تبعات دیگری نیز دارد مانند کم‌رنگ شدن حریم‌های زناشویی و چند اشتراکی شدن جنسی و نیز کاهش سن ایجاد مزاحمت‌ها و روابط نامشروع. به گزارش رادیو دولتی انگلیس، تحقیق انجام شده در سه روزنامه پر انتشار آن کشور، بیانگر مزاحمت‌های فراوان جنسی برای کارمندان زن در محیط کار و سایر محیط‌های دیگر است. در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ در آمریکا، حدود ۱۸ میلیون نفر از زنان کارمند به هنگام کار مورد اذیت و آزاد قرار گرفتند (صادقی، ۱۳۸۲: ۱۹).

امروزه و در جامعه کنونی ما، عوامل عدیده‌ای در فاصله گرفتن دختران از الگوهای فرهنگی مذهبی حجاب، تاثیرگذار است. این عوامل در ابتدا اعتقادات دختران را هدف قرار می‌دهند. اعتقاداتی که به نسبت زمان تغییراتی در خود انجام نداده‌اند و هم‌چنان بدون تغییر و یا با تغییر اندکی دوره‌ها را سپری کرده‌اند و لذا در دوره کنونی دیگر جوابگوی نیازها و خواست‌های جوانان و به‌ویژه دختران نیستند. خلاء ایجاد شده با روی آوری آنان که از نیاز آنها به داشتن الگوهای عینی سرچشمه می‌گیرد به عوامل و رسانه‌های هنجار فرست^۱ در خارج از کشور نظیر ماهواره و اینترنت معطوف می‌شود و متأسفانه از آنها پیروی می‌کنند. بنابراین شناختن عوامل مهم و اساسی تاثیرگذار بر ایجاد چنین وضعیتی که در طول زمان نیز ادامه خواهد داشت اهمیت وافری دارد.

در برخورد با مسئله حجاب دو رویکرد اصلی وجود دارد که در جامعه‌شناسی بر آن تاکید فراوان می‌شود:

۱. رویکرد تغییر ساختاری یا همان نهادینه کردن که در حیطه بعد مهندسی فرهنگی قرار می‌گیرد؛
۲. رویکرد تشدید مجازات‌ها که همان برخورد قانونی می‌باشد و در حیطه مجامع قضایی که ضمانت اجرایی آن را نیروهای انتظامی عهده دارد هستند، می‌باشد.

مفهوم بعدی که مورد بررسی قرار می‌گیرد، مهندسی فرهنگی است. مهندسی فرهنگی، یک فرایند است و از سیستم تبعیت می‌کند. پس دارای هدف و بیانگر یک روند است. مولفه‌های همگرای فرهنگ در یک کلیت توحید می‌یابند. در صورت وجود مهندسی فرهنگی، مولفه‌های واگرای فرهنگی کنار گذاشته می‌شوند و تکلیف سیستم با آنها مشخص است. این کلیت همانند یک شاکله و شخصیت پایه عمل می‌کند و بر اساس قاعده "و کل یعمل علی شاکلته" رفتار انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

مهندسی فرهنگی باید مبتنی بر انسان‌شناسی و روش‌های مناسب آن باشد. به عبارت دیگر نمی‌توان برای مهندسی فرهنگی از روش‌ها و مبانی مهندسی فنی سود جست. لفظ مهندسی برای سامان دادن هندسه فرهنگ است نه به معنای وارد کردن مفاهیم و روش‌های آزمایشی فنی مهندسی. دلیل آن این است که قوانینی بر حیات روانی انسان حاکم است که با قوانین رایج در پدیده‌های کمی و صرفاً عینی متفاوت است. نمی‌توان از قوانین عینی و فنی برای حیات انسانی سود جست. به عنوان مثال مد شده است که قاعده عمومی سیستم‌ها را برای نظام انسانی مطابقت می‌دهند.

مفهوم آخر نیز شامل عامل انتظامی است که خود بر دو بخش شیوه برخورد و نحوه عملکرد قابل تقسیم می‌باشد.

در این مقاله از رویکرد تغییر ساختاری با نام روش نرم‌افزاری و از رویکرد دوم روش سخت‌افزاری نام برده می‌شود. مدل تحلیلی تحقیق شامل محیط‌هایی است که محیط محیط اجتماعی قلمداد می‌شوند. این محیط‌ها به چهار دسته قابل تقسیم هستند، که عبارتند از:

۱. محیط‌های خانوادگی؛

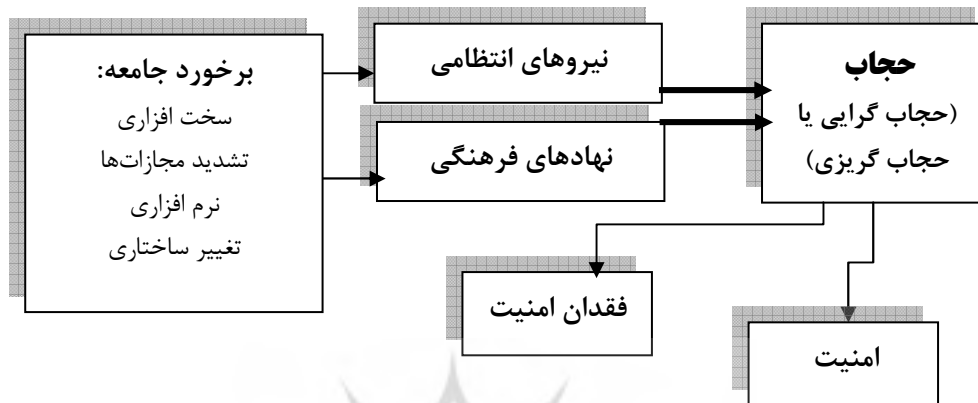
۲. محیط‌های انتخابی یا اختیاری؛

۳. محیط‌های اجباری یا تحمیلی؛

۴. محیط‌های تصادفی.

گذری سریع اگر بر روی کلیه متغیرهای مدل بیفکنیم، بنابراین از یک سو؛ چهار محیط متفاوت داریم با ویژگی‌های متفاوت، از سویی دیگر دو عامل مهندسی انتظامی و مهندسی فرهنگی که با دو ابزار نرم‌افزاری و سخت‌افزاری نسبت به امور مرتبط با حجاب مشغول به فعالیت هستند و در نهایت یا حجاب‌گرایی خواهیم داشت یا حجاب‌گریزی. لذا مدل اولیه تحقیق به قرار زیر ترسیم خواهد شد:

شکل ۱. مدل روابط بین متغیرها و عوامل موثر بر حجاب



با توجه به این مدل در می‌یابیم که تغییر ساختاری با نهادینه کردن حجاب و در نهایت هر چند به تدریج به حجاب‌گرایی و نیز دیدگاه تشدید مجازات‌ها به حجاب‌گریزی بیشتر سوق می‌یابد چون حالتی از اجبار در آن وجود دارد و افراد در شرایط اجبار رعایت و در غیر این صورت بیشتر از آن دور می‌شوند. هر چه نهادهای فرهنگی نتوانند شرایط تغییر ساختاری را با برنامه‌های ترکیبی به اجرا درآورند - مثلاً ما حتی در زمینه طراحی الگوهای بهینه حجاب ناتوانیم. تلاش‌های اندکی با طراحی چادر ملی صورت گرفته که شاید حرکت بسیار کوچکی در مقابله با طراحان البسه حرفه‌ای در جهان می‌باشد- رویکرد دوم شرایط برای فعالیت می‌یابد به عبارت دیگر نیروهای انتظامی فدای کم‌کاری نهادهای فرهنگی در الگوسازی و برنامه‌ریزی شده‌اند و ناگزیر به اجرای تشدید مجازات‌هایی که قوه قضایی متولی آن است، می‌شوند. در نهایت می‌بایست نیروهای انتظامی نیز به‌عنوان نهادی فرهنگی توسط اقشار مردم قلمداد شوند و رویکردی تغییر ساختاری به‌دست آورند.

هر کدام از محیط‌ها دارای ویژگی‌هایی هستند که دافعه یا جاذبه حجاب هستند. به‌عبارت دیگر هر محیطی برای خود از ویژگی‌هایی برخوردار است که در جامعه ما بر مسئله حجاب تاثیرگذار بوده و این ویژگی‌ها بطور اختصار و موجز عبارتند از:

الف) محیط‌های خانوادگی:

- فاصله گرفتن از اعضای خانواده و نزدیک شدن به اجتماع غریبه دوستان و همکلاسی‌ها؛

- انکار قانونمندی‌ها و اصول سنتی خانواده و قبول و پذیرش الگوهای جدید اجتماع بیرون از خانواده؛
- ممنوعیت و محدودیت اعمال شده از سوی پدر و سختگیری‌های خیرخواهانه مادر؛
- و...

ب) محیط‌های انتخابی یا اختیاری:

- اشتیاق دختر را برای یکی شدن با جلوه‌های رنگارنگ و تازه به تازه دنیای پیرامون؛
 - حس غریزی زیبنمایی، دختر را بسیار زودتر از پسر به تلاش و می‌دارد؛
 - مدگرایی و تن‌نمایی؛
- رسانه‌هایی چون ماهواره، اینترنت، تلویزیون، سینما و نشریات مختلف، زمینه‌های آماده و جذابی برای دختر است؛ و...

ج) محیط‌های تصادفی یا شانسی:

- کلیه خیابان‌ها و امکنة عمومی که ممکن است فرد در آن قرار گیرد و یا از آن عبور کند و یا نکند؛

د) محیط‌های اجباری یا تحمیلی:

- تشدید مجازات‌ها (طرح‌های مقابله با بدحجابی و...)
 - فقدان الگوهای عینی و ملموس برای به‌کارگیری دختران و زنان در جامعه در رابطه با حجاب (مانند: البسه به روز و پوشیده)؛
 - تکرار مکررات و پند و اندرزهای کلیشه‌ای و عدم سعی در به‌روزآوری آنها؛
- تمامی موارد مطرح شده فوق به فاصله گرفتن دختران و زنان از حجاب و تغییر گروه‌های مرجع توسط آنان از داخل کشور به بیرون کشور خواهد شد. گروه‌های مرجع^۱ یکی از معیارها و الگوهاست که هر کس هنگام ارزیابی نقش و فعالیت خود در یک موقعیت معین، از آن استفاده می‌کند. (توسلی و دیگران، ۱۳۷۲: ۸۶) به عبارت دیگر گروه‌هایی هستند که افراد، خود را در مقام مقایسه به آنها ارجاع می‌دهند و از آنها الگو می‌گیرند (صفیاری، ۱۳۸۹: ۷۲). این گروه‌ها در جامعه ما به‌دلایل فوق در حال تغییر از گروه‌های مرجع ذهنی درون کشوری به گروه‌های مرجع عینی و ملموس و جذاب برون کشوری است.
- مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) با اشاره به ایرانی بودن حجاب می‌فرماید:
- "زنان ما چادر را انتخاب کرده‌اند. البته ما هیچ وقت نگفتیم که حتماً چادر باشد و غیرچادر"

نباشد. گفتیم که چادر بهتر از حجاب‌های دیگر است. زنان ما می‌خواهند حجاب خودشان را حفظ کنند. چادر را هم دوست دارند و چادر لباس ملی ماست. چادر بیش از آنکه یک حجاب اسلامی باشد، یک حجاب ایرانی است مال مردم ما و لباس ملی ماست".
هم‌چنین ایشان می‌فرمایند:

در عرصه فعالیت‌های اجتماعی اعم از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی به‌معنای خاص، فعالیت علمی، درس خواندن، تلاش کردن در راه خدا و... هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست و اگر کسی عکس این را بگوید منطق اسلام نیست و برخلاف سخن اسلام حرف زده است. البته مرز میان این روابط همان حجاب است.

استاد ارجمند شهید مطهری^(۵) نیز در کتاب "بررسی حجاب" با اشاره به فرهنگ حجاب در قبل از اسلام در جوامع ایرانی و رومی به تخطئه این ادعا که حجاب از ایران یا جای دیگری به اسلام وارد شده باشد، می‌پردازد و می‌فرماید:

فقط بعدها بر اثر معاشرت اعراب مسلمان با تازه مسلمانان غیرعرب، حجاب از آن چه در زمان رسول اکرم وجود داشت شدیدتر شد (مطهری، ۱۳۶۵: ۶۲).

با توجه به ایجاد چنین وضعیتی در جامعه امروزی ما، و افزایش احتمال لغزش از سوی مادران آینده، لزوم شناخت عوامل ایجاد کننده چنین وضعیتی مضاعف می‌نماید. هم‌چنین با تاکید مقام زن در قرآن و دستورات دینی و شرعی و نیز مسئولین و علمای عالی مقام و عظمی، که در این خصوص وجود دارد، بنابراین ضرورت و اهمیت پژوهش در این زمینه بر ما و محققین و به‌عنوان یک تکلیف دینی قلمداد می‌شود.

سوال‌های تحقیق

۱. رویکرد حجاب نزد دختران و زنان (۲۵-۱۵ سال) با توجه به محیط‌های اجتماعی چهارگانه در شهر سنندج چیست؟
۲. آیا رویکرد حجاب نزد دختران و زنان (۲۵-۱۵ سال) با توجه به متغیرهایی نظیر: سطح درآمد، سطح تحصیلات، نوع شغل، تعداد افراد خانواده، سن، وضعیت تاهل، محل تولد و محل سکونت، متفاوت است؟
۳. آیا پوشش‌های ایده‌آل و واقعی دختران و زنان (۲۵-۱۵ سال) در شهر سنندج با هم‌دیگر متفاوت است؟
۴. آیا می‌توان به یک مدل برانزده در خصوص عوامل موثر بر گرایش به حجاب‌گریزی دختران و زنان (۲۵-۱۵ سال) در شهر سنندج دست یافت؟

اهداف پژوهش

هدف کلی: تعیین عوامل انتظامی فرهنگی مرتبط با گرایش دختران و زنان (۱۵-۲۵ سال) به حجاب‌گریزی در شهر سنندج.

اهداف ویژه:

- توصیف عوامل مرتبط با حجاب (حجاب‌گریزی و حجاب‌گرایی)؛
- توصیف متغیرهای زمینه‌ای مرتبط با حجاب (سطح درآمد، سطح تحصیلات، نوع شغل، تعداد افراد خانواده، سن، وضعیت تاهل، محل تولد و محل سکونت)
- توصیف پوشش‌های واقعی و ایده‌آل دختران و زنان؛
- تبیین شاخص‌های مرتبط با حجاب (مهندسی فرهنگی و مهندسی انتظامی)؛
- تعیین میزان اثرگذاری (ضریب اثر) هر کدام از شاخص‌های مستقل (ارائه شده در مدل) با حجاب؛
- تعیین ضریب تعیین (r^2) و ضریب اثر هر کدام از شاخص‌های مدل شماره ۲، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر حجاب؛
- تحلیل کانونی دسته‌جمعی تاثیر شاخص‌های دوگانه فرهنگی و انتظامی؛
- تحلیل عاملی تقلیل بارها و اعتبارسنجی پرسشنامه؛

چارچوب نظری یا مفهومی

تعریف مفاهیم

الف) متغیر وابسته: حجاب

- تعریف مفهومی: حجاب از واژه حجب به معنی پناه برد و مخفی شد، مشتق شده است. (المنجد، ج ۱)
- تعریف عملیاتی: حجاب عبارت است از این که زن خود را به نحوی از نامحرم بپوشاند و جلب توجه نکند (مطهری، ۱۳۶۶: ۴۶).
- معرف: هرگونه وسیله‌ای که منجر به پوشش و جلوگیری کننده از دید نامحرم باشد، مانند: چادر، روسری، مانتو و...

ب) متغیرهای مستقل:

مهندسی فرهنگی

- تعریف مفهومی: مهندسی فرهنگی، در حقیقت تلاش در جهت تقویت اجزای اصلی فرهنگ اسلامی و ملی کشور و پاس‌داشت آن در برابر نفوذ و تأثیر فرهنگ مخرب غربی در پرتو چینش مناسب و تعیین جایگاه صحیح تمامی ابعاد و ویژگی‌های فرهنگی جامعه ماست.
- تعریف عملیاتی: مهندسی فرهنگی سامان دادن مولفه‌های همگرای فرهنگ در یک کلیت منسجم و هدفدار است که شاکله‌ی آن رفتار و نگرش فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- معرف: عدم استفاده از جملات کلیشه‌ای و تکراری، ارایه الگوهای عینی پوشش به صورت بومی مانند: چادر ملی و..

عوامل انتظامی

- تعریف مفهومی: به مجموعه عواملی اطلاق می‌شود که بیانگر میزان کارایی اجرای طرح‌های اجتماعی نیروی انتظامی در بین شهروندان است.
- تعریف عملیاتی: میزان کارایی طرح تشدید مبارزه با بدحجابی
- معرف: شیوه برخورد مامورین نیروهای انتظامی در شهر سنندج با شهروندان (با ادب و خشوع، تند و بی‌مبالات، قاطعیت و...) و نحوه عملکرد نیروهای انتظامی در شهر سنندج (سرعت، دقت، خشک و آیین‌نامه‌ای و...)

فرضیه‌ها

- بین هر یک از عوامل فرهنگی و انتظامی (به تفکیک) و حجاب رابطه وجود دارد.
- بین هر یک از عوامل فرهنگی و انتظامی (به صورت ترکیبی) و حجاب رابطه وجود دارد.
- بین کلیه معرف‌های مهندسی فرهنگی و انتظامی به تفکیک اثربخشی با حجاب رابطه وجود دارد. (استفاده از تحلیل مسیر و تحلیل عاملی)

تئوری‌های تبیین‌کننده موضوع

نظریه آنومی رابرت کینگ مرتون^۱

جامعه‌شناسان آسیب‌شناسی، در پی کشف علل و عوامل اجتماعی موثر بر آنومی و عمدتاً شرایط اکتسابی در محیط می‌باشند. ناهنجاری پوششی دلایل متعددی دارد. شرایط و نوع پوشش در هر منطقه با منطقه دیگر متفاوت است و به شرایط مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، روانی و شخصیت جامعه و فرد مربوط می‌شود. از دیدگاه جامعه‌شناختی، آنچه مهم‌تر از عوامل فردی در گرایش به پوشش‌های متفاوت می‌باشد، عوامل اجتماعی فرهنگی است. جامعه‌شناسان علل ارتکاب جرم را در وضع نابسامان اجتماعی و اقتصادی دانسته، معتقدند که هیچ‌کس بالفطره منحرف و بزهکار نیست. از این جهت فرد را مقصر نمی‌دانند و می‌گویند اوضاع اقتصادی و شرایط نامساعد اجتماعی عامل ارتکاب انحراف است. نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و شکاف عمیق طبقاتی در جامعه، بیکاری، از بین رفتن و جابه‌جایی ارزش‌های جامعه، رشد بی‌قواره صنعت؛ اگر در جامعه‌ای رشد صنعت به سرعت افزایش یابد و درآمد ناشی از این ثروت عادلانه توزیع نگردد و از طرف دیگر در آن جامعه برای تفریح، شادی و گذران اوقات فراغت و بیکاری جوانان از طرف دولت برنامه‌ریزی‌های اجتماعی نشده باشد و رشد صنعت و شهرنشینی، شکاف طبقاتی را زیاد کند، همه این عوامل، باعث گرایش به انحرافات - از جمله پوشش‌های غیر متعارف جامعه - خواهد شد (فرجاد، ۱۳۷۱: ۱۵۵).

نظریه‌های روان‌شناسی و نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات از قبیل نظریه کنش اجتماعی و آنومی پارسونز، نظریه‌های رادیکال مارکسیست‌ها درباره انحرافات اجتماعی، نظریه‌های خرده‌فرهنگی کوهن، میلر، نظریه‌های کنترل اجتماعی، نظریه جنسیت، نظریه برچسب‌زنی و... می‌تواند معضل پوشش را تبیین نماید. از آنجایی که در این نوشتار بیشتر به شرایط و فشارهای ساختاری در جامعه تأکید شده است، از نظریه آنومی مرتن استفاده شده است. مرتن با رویکرد کارکردگرایانه و با الهام از اندیشه‌های دورکیم به دنبال راه‌حلی جامعه‌شناسانه برای انحرافات اجتماعی جامعه آمریکایی نیمه اول قرن بیستم بود. مرتن معتقد است که این شرایط ساختی است که علت ریشه‌ای انحرافات اجتماعی است. از نظر مرتن در هر جامعه دو ساخت اساسی وجود دارد که میان آنها در درون یک نظام اجتماعی روابطی کارکردی وجود دارد. این دو ساخت اساسی یکی اهداف نهادی شده و دیگری وسایل نهادی شده است (همان).

1. نظریه مرتن و شرایط چهارگانه آنومی، در محیط‌های چهارگانه به صورت مستتر استفاده شده است.

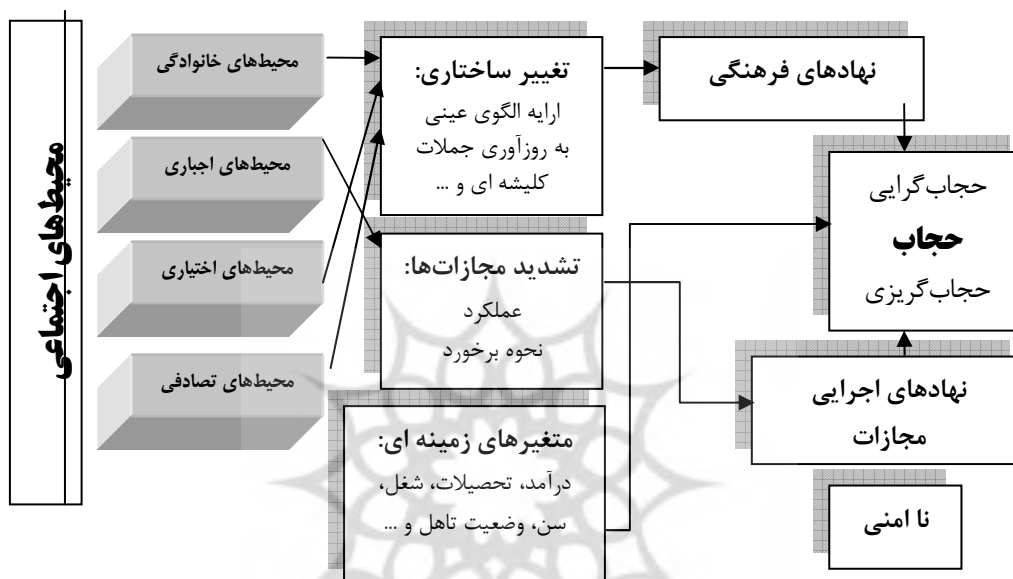
اهداف نهادی شده عبارت است از تعاریف نهادی شده درباره ارزش‌ها و امور مطلوب و وسایل نهادی شده عبارت از شیوه‌های استاندارد شده کنش برای نیل به اهداف و یا هنجارهای مقرر که برای وصول به اهداف نهادی شده وضع شده‌اند (اسکیدمور، ۱۳۷۵: ۱۶۰-۱۵۹).

در هر جامعه‌ای در پرتو ارزش‌ها و اصول اساسی آن جامعه یک شخصیت آرمانی تعریف می‌شود و در قله آرزوها و تمنیات افراد آن جامعه قرار می‌گیرد. از طریق ابزارهای مختلف جامعه‌پذیری، آموزش و پرورش، رسانه‌ها، این شخصیت آرمانی در منظر عمومی تبلیغ شده و افراد به آن خوانده می‌شوند. مثلاً رسیدن فرد به اوج موفقیت مادی و شخصیتی که در بالاترین مراتب پایگاه اقتصادی، اجتماعی است، همان هدف نهادی شده مرتن در جامعه آمریکایی عصر او محسوب می‌شود. در هر حال مرتن یکپارچگی و انسجام را حالتی در یک نظام اجتماعی یا جامعه تعریف می‌کند که میان این دو ساخت اساسی یعنی اهداف و وسایل نهادی شده تعادل برقرار باشد. اما از نظر مرتن یک جامعه یا نظام اجتماعی می‌تواند در حالت سوءیکپارچگی بسر برد. سوءیکپارچگی وضعیتی است که در آن تعادل ساختاری در تهدید قرار گرفته باشد. وضعیتی که در آن تأکید بر وسایل نهادی شده کمتر از تأکید بر اهداف نهادی شده باشد، در چنین وضعیتی چهار الگوی رفتار انحرافی را می‌توان در جامعه پیش‌بینی کرد. از نظر مرتن همه این شیوه‌ها غیرقانونی شناخته شده و شیوه‌های انطباق فردی نام می‌گیرند که جایگزین شیوه‌های انطباق جمعی شده یا به آن اضافه می‌شوند. این چهار شیوه انطباق فردی عبارتند از:

- نوآوری^۱؛
- مناسک‌گرایی^۲؛
- انزواطلبی^۳؛
- شورش^۴. (همان)

مدل نظری

شکل ۲. مدل نهایی عوامل مرتبط بر با حجاب به تفکیک محیط‌های چهارگانه



ارتباط مدل مذکور با نظریه در نقطه اول در قدم‌های اولیه استفاده از پوشش‌های نامناسب (بدحجابی) و در نهایت به نقطه چهارم خواهد رسید که نقطه بی‌حجابی تلقی می‌گردد. به عبارت بهتر و گویاتر در مرحله اول شاید دختران و زنان هدف را قبول کرده باشند اما وسیله را قبول ندارند و براین اساس مبادرت به استفاده از پوشش‌های غیرمتعارف می‌نمایند. این روند در نهایت منجر بر این مهم می‌شود که نه وسیله را قبول می‌کنند و نه هدف را. بنابراین یک نوع جایگزینی وسیله هدف به جای وسیله و هدف مشروع جامعه صورت می‌گیرد که در نهایت منجر به بی‌حجابی خواهد شد.

روش تحقیق

به‌طور کلی این مقاله پژوهشی میدانی بوده و با عطف به اهداف مورد مطالعه، جزء مطالعات توصیفی تحلیلی و به‌لحاظ روشی در قلمرو تحقیقات میدانی^۱ - روش تحقیق پیمایشی^۱ - قرار

1. field study

گرفته است. جهت جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از تکنیک پرسشنامه شامل: سوالات بسته^۲ و طیفی (طیف لیکرت^۳) اقدام شده است (دواس، ۱۳۷۶: ۹۷).

تکنیک گردآوری اطلاعات

تحلیل آماری از طریق آزمون‌های آماری از قبیل: ضرایب همبستگی متناسب با سطح سنجش متغیرها، رگرسیون چندگانه^۴، تحلیل مسیر^۵ جهت تبیین، فیت و برازندگی (حجازی، ۱۳۸۱: ۲۴۵ و کیانی، ۱۳۸۵: ۲۱۱) مدل ارائه شده در پژوهش و تحلیل عاملی^۶ با استفاده از نرم افزار آماری و تحقیقاتی spss، به انجام رسیده است.

روایی: طی اجرای آزمون آلفای کرونباخ، عدد به‌دست آمده برای این ضریب برابر با ۰/۷۷۳ بوده است که نشان از وجود پیوستگی لازم بین گویه‌هاست.

- حوزه تحقیق

حوزه تحقیق شهر سنندج می‌باشد.

- سال انجام تحقیق

اجرای پژوهش در سال ۱۳۸۹ بوده است.

- جامعه آماری

جامعه آماری متشکل از کلیه زنان و دختران ۱۵-۲۵ ساله می‌باشد.^۷

- حجم نمونه

حجم نمونه با توجه به حجم جامعه آماری، ۱۹۰ نفر تعیین شده است.

1. survy method
2. closed
3. likert
4. multiple regression
5. path analysis
6. Factor analysis

7. براساس آمارگیری سال ۱۳۸۸ از مجموع ۱۳۳۴۸۲ هزار نفر زن و دختر سنندجی، تعداد ۳۰۱۸۷ نفر ما بین ۱۵-۲۵ سال قرار داشتند.

یافته‌های تحقیق

بخش توصیف:

- از کل جامعه نمونه ۳۳/۱ درصد آنها ۱۸-۱۵ سال بوده‌اند.
- ۴۱/۴ درصد آنها دارای مدرک دیپلم بوده‌اند.
- پدران با ۳۳/۸ درصد دارای مدرک دیپلم و مادران با ۳۶/۷ درصد بی‌سواد بوده‌اند.
- ۴۳/۶ درصد خانواده‌ها دارای درآمد بالاتر از ۴۵۰ هزار تومان می‌باشند.
- ۸۹/۸ درصد مادران خانه‌دار و ۴۲/۱ درصد پدران صاحب مشاغل آزاد بوده‌اند.
- ۴۷/۹ درصد خانواده‌ها، ۴-۶ نفره بوده‌اند.
- ۹۹ درصد افراد جامعه نمونه در شهر متولد شده‌اند.
- ۸۷ درصد از افراد جامعه نمونه با اجبار در رعایت حجاب اصلاً موافق نبوده‌اند.
- ۸۷ درصد موافق رعایت حجاب به‌صورت اختیاری و درونی بوده‌اند.
- همه جامعه آماری متفق‌القول هستند که حجاب برای زنان و دختران ضروری و باید رعایت شود اما شیوه اعمال آن در جامعه باید به‌صورت فرهنگی باشد.
- ۹۶/۲ درصد از افراد جامعه آماری بی‌حجابی و بدحجابی را مترادف با ناامنی تلقی کرده‌اند.
- همچنین اکثریت افراد نمونه رویکرد تشدید مجازات‌ها را از سوی نیروی انتظامی مترادف با حجاب‌گریزی و رویکرد درونی کردن فرهنگی را مترادف با حجاب‌گرایی دانسته‌اند.
- ۲۰/۵ درصد مخالف طرح تشدید مبارزه با بدحجابی بوده‌اند. و بقیه موافق با تغییر رویه برخورد با افراد بدحجاب هستند.
- ۷۱/۷ درصد از افراد جامعه نمونه معتقدند که تفکر مبتنی بر حجاب‌گریزی در بین دختران و زنان ۱۵-۲۵ سال وجود دارد.

تفاوت بین پوشش واقعی و ایده‌آل دختران و زنان:

- ۳۸/۱ درصد از زنان و دختران با مقنعه برای پوشش موها موافق بوده‌اند و تنها ۱/۷ درصد آنها با کلاه به‌عنوان پوششی برای موها ابراز تمایل نموده‌اند.
- ۴۱/۴ درصد از افراد جامعه نمونه مانتو بلند را گزینه‌ای مناسب برای پوشش بدن

معرفی نموده و فقط ۵/۸ درصد، به لباس پسرانه به عنوان پوششی ایده‌آل فکر کرده‌اند.

- ۳۴/۰ درصد شلوار پارچه‌ای بلند را گزینه‌ای مطلوب قلمداد کرده‌اند و ۲۰/۵ درصد نیز شلوار لی کوتاه را معرفی نموده‌اند.

- از کل جامعه نمونه ۳۹/۰ درصد به استفاده از سندل بجای کفش ابراز تمایل نموده‌اند و ۱۱/۲ نیز کفش اسپرت را مطلوب‌تر عنوان کرده‌اند.

نوع پوشش با توجه و عنایت به متغیرهای محل تولد، گروه‌های سنی، سطح تحصیلات با هم‌دیگر متفاوت بوده است:

- افرادی که محل تولد آنها شهر بوده است مقنعه، مانتو بلند، شلوار پارچه‌ای کوتاه و کفش سندل بوده، هم‌چنین افرادی که محل تولد آنها روستا بوده، شال، مانتو کوتاه، شلوار پارچه‌ای کوتاه و کفش سندل را ذکر کرده‌اند.

- افرادی که متعلق به گروه‌های سنی اول (۱۸-۱۵ سال)، دوم (۲۱-۱۹ سال) و سوم (۲۵-۲۲ سال) به ترتیب نوع پوشش موها، پوشش بدن، نوع شلوار و نوع کفش ایده‌آل را برای دختران سنین خود چنین معرفی نموده‌اند: روسری - مقنعه، مانتو بلند، شلوار پارچه‌ای بلند و کفش روباز (برای سنین ۱۸-۱۵ سال)، مقنعه، مانتو بلند، پارچه‌ای بلند و کفش روباز (برای سنین ۲۱-۱۹ سال) و مقنعه، مانتو بلند، پارچه‌ای کوتاه و سندل (برای سنین ۲۵-۲۲ سال).

- افرادی متعلق به سطوح تحصیلی مختلف، به ترتیب نوع پوشش موها، پوشش بدن، نوع شلوار و نوع کفش ایده‌آل را برای دختران چنین معرفی نموده‌اند: شال، مانتو کوتاه، پارچه‌ای کوتاه و سندل (ابتدایی)، مقنعه، چادر، پارچه‌ای بلند - لی بلند و کفش روباز (راهنمایی)، روسری، مانتو کوتاه، پارچه‌ای بلند و کفش روباز (متوسطه)، شال، مانتو بلند، لی کوتاه و سندل (دیپلم)، شال، مانتو بلند، پارچه‌ای بلند و اسپرت (فوق دیپلم)، روسری، مانتو بلند، پارچه‌ای بلند و کفش روباز (لیسانس) و روسری - شال، مانتو کوتاه، لی کوتاه و سندل (فوق لیسانس و بالاتر).

جدول شماره ۱ توزیع درصد فراوانی پاسخ‌گویان را براساس اعتقاد به نهادینه سازی حجاب

به تفکیک مناطق مختلف شهری به‌طور مقایسه‌ای نشان می‌دهد:

جدول ۱. مقایسه توزیع درصد فراوانی پاسخ‌گویان بر اساس اعتقاد به نهادینه نمودن حجاب به تفکیک

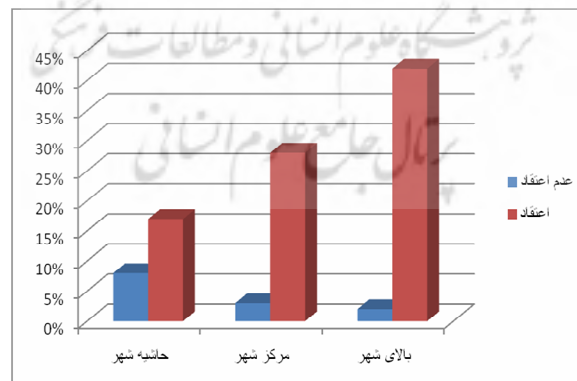
مناطق شهری

جمع	اعتقاد	عدم اعتقاد	نهادینه نمودن مناطق شهری
%۲۵	%۱۷	%۸	حاشیه شهر
%۳۱	%۲۸	%۳	مرکز شهر
%۴۴	%۴۲	%۲	بالای شهر
%۱۰۰	%۸۷	%۱۳	جمع

با توجه به جدول فوق هر چه به منطقه بالانشین نزدیک‌تر می‌شویم از عدم اعتقاد به نهادینه کردن حجاب کاسته می‌شود. در ستون دوم هر چه به طرف بالای شهر حرکت می‌کنیم بر میزان آنانی که اعتقاد به نهادینه نمودن فرهنگ حجاب پافشاری می‌کنند، افزوده می‌گردد. جالب توجه آنکه افراد پایین شهر و مناطق متوسط نشین نیز در ستون دوم درصدهای بالایی در این خصوص اظهار داشته‌اند. به‌طور کلی %۸۷ از افراد جامعه نمونه اعتقاد به درونی کردن و نهادینه نمودن و یا به‌عبارت بهتر رویکرد تغییر ساختاری در خصوص مسئله حجاب هستند.

نمودار ۱. مقایسه توزیع درصد فراوانی پاسخ‌گویان بر اساس اعتقاد به نهادینه نمودن حجاب به تفکیک

مناطق شهری



جدول ۲. توزیع درصد فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب رعایت حجاب به ترتیب اولویت در محیط‌های

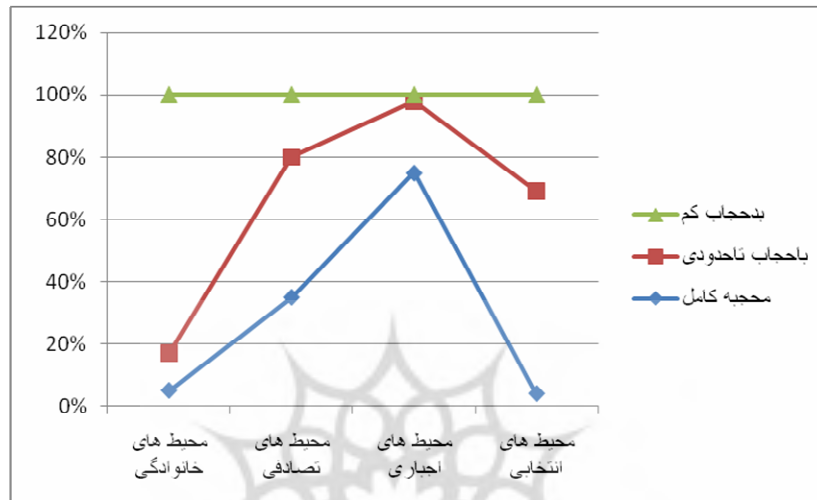
چهارگانه

جمع	طیف محجبه تا بدحجاب			محیط‌ها/ طیف
	بدحجاب	باحجاب	محجبه	
	کم	تاحدودی	کامل	
%۱۰۰	%۸۳	%۱۲	%۵	محیط‌های خانوادگی
%۱۰۰	%۲۰	%۴۵	%۳۵	محیط‌های تصادفی
%۱۰۰	%۲	%۲۳	%۷۵	محیط‌های اجباری
%۱۰۰	%۳۱	%۶۵	%۴	محیط‌های انتخابی
-	%۱۳۶	%۱۴۵	%۱۱۹	جمع

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌گردد از کل طیف محجبه تا بدحجاب که با شاخص ۴۰۰ درصدی سنجیده شده است، پیک افراد در ستون وسط یعنی تاحدودی با حجاب قرار گرفته‌اند (%۱۴۵) و بعد از آن با فاصله کمی افراد بدحجاب با %۱۳۶ و سپس با فاصله‌ای معنی‌دار %۱۱۹ افراد محجبه قرار گرفته‌اند. سهم محیط‌های انتخابی از افراد محجبه کم‌ترین با %۴ و سهم محیط‌های اجباری که منطقی هم است بیشترین با %۷۵. در اینجا سهم محیط‌های انتخابی کمتر از محیط‌های خانوادگی بوده که نشان‌دهنده گرایش به آزادی در حجاب است و خود می‌تواند زنگ خطری باشد. در ستون دوم محیط‌های انتخابی با %۶۵ تاحدودی با حجاب را تشکیل داده که نتایج ستون اول را نیز تایید می‌نماید و اما در ستون سوم منطقی‌ترین نتیجه محیط‌های خانوادگی بوده که با %۸۳ بدحجاب (در شرایط نبود نامحرم) و کم‌ترین بدحجاب در محیط‌های اجباری با %۲ که آن نیز منطقی است. در دو محیط دیگر تعداد افراد به میزان زیادی بالاست بدین معنی که اگر زور و اجبار در محیط‌های اجباری نباشد این محیط‌ها نیز با تعداد زیادی از افراد بدحجاب مواجه خواهد بود. نمونه این محیط‌ها می‌توان از مدارس، ادارات و ... نام برد.

نمودار ۲. توزیع درصد فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب رعایت حجاب به ترتیب اولویت در محیط‌های

چهارگانه



بخش تبیینی

آزمون فرضیات

در این بخش برای آزمون فرضیات چون چهار متغیر کیفی مستقل و یک متغیر کیفی وابسته در فرضیات وجود دارد از "تحلیل همبستگی کانونی"، "رگرسیون لجستیک"، "تحلیل مسیر"، "تحلیل عاملی" استفاده شده است.

نتایج به‌دست آمده از تکنیک رگرسیون لجستیک نشان می‌دهند که متغیر فقدان الگوهای عینی در عامل مهندسی فرهنگی با بهبود کای اسکویر برابر با $30/251$ و سطح معنی‌داری $p=0.002$ و متغیر عدم استفاده از جملات کلیشه‌ای بازم در همان عامل در گام بعدی با بهبود کای اسکویر برابر با $4/321$ و سطح معنی‌داری $p=0.013$ وارد معادله شده‌اند. با به‌دست آوردن برازش توسط Likelihood که مقدار آن از $31/257$ به $28/001$ کاهش یافته است تفاضل این دو بهبود یافته است. مقدار Model chi-square نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تا چه حد بر متغیر وابسته تاثیرگذار می‌باشند. براساس نتایج Classification table حساسیت مدل هنگام با ورود متغیر فقدان الگوهای عینی در عامل مهندسی فرهنگی در معادله 43 درصد و حساسیت آن 46 درصد بوده است.

بر طبق نتایج قسمت Variable in the Equation، ضمن اینکه آماره والده معنی‌داری را

مورد تاکید قرار می‌دهد بر مبنای مقدار ثابت و ضریب B می‌توان معادله بهینه رگرسیون لوجستیک را ترسیم کرد:

$$\text{(عدم استفاده از جملات کلیشه‌ای)} + 0/426 \text{(فقدان الگوهای عینی)} + 0/325 - 7/124 \text{(برتری لگاریتمی)}$$

با توجه به نتایج آنالیز واریانس و استفاده از تکنیک تحلیل همبستگی کانونی، سطح معنی‌داری ($\text{sig} = 0.004$) با احتمال ۹۵ درصد وجود همبستگی کانونی بین دو مجموعه متغیر را تایید می‌کند. همچنین لامبدای ویلکز و آماره V بارتلت به ترتیب سطح معنی‌داری اولین و دومین همبستگی کانونی را مورد تایید قرار داده است. اولین همبستگی کانونی، در حدود ۵۹ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. به‌طور کلی همبستگی متغیرها بیشتر از ۳/۰ به‌دست آمده است که نشان‌گر قلمداد شدن آنها به‌عنوان بخشی از متغیر کانونی است.

با استفاده از تکنیک تحلیل مسیر، تاثیر متغیر فقدان الگوهای عینی در عامل مهندسی فرهنگی به‌طور مستقیم دارای اثر ۲۳۲/۰ و تاثیر غیرمستقیم این متغیر بر متغیر وابسته ۲۹۸/۰ می‌باشد، که با ($p < 0.11$) حاکی از رابطه مثبت و معنی‌دار بین این متغیر و متغیر وابسته دارد. تاثیر کلی این شاخص - مستقیم و غیر مستقیم - برابر با ۵۳ درصد بوده است.

نتایج حاصل از تکنیک تحلیل عاملی چنانچه از جدول شماره ۳ استنباط می‌گردد ۴ مولفه فوق‌الذکر بر روی دو عامل لود شده‌اند، نشان می‌دهد که به‌طور کلی می‌توان آنها را عامل مهندسی فرهنگی و عامل انتظامی نام برد. بدین معنی که مولفه‌های فقدان الگوهای عینی با ۵۶۸/۰ و عدم استفاده از جملات کلیشه‌ای با ۷۰۲/۰ عاملی را تحت نام مهندسی فرهنگی به‌وجود آورده و مولفه‌های شیوه برخورد نیروهای انتظامی با ۴۳۶/۰ و نحوه عملکرد نیروهای انتظامی با ۸۰۱/۰ عاملی تحت عنوان عامل انتظامی را به‌وجود آورده‌اند. در کل کلیه مولفه‌ها بر روی دو عامل لود شده‌اند. لذا بر نتایج این جدول دو عامل استنباط و در این مقاله مورد استفاده قرار گرفت.

جدول ۳. اعتمادسنجی و بار شدن شاخص‌ها بر روی عامل‌های اولیه با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی

Component Matrix^a

	Component	
	۱	۲
فقدان الگو	۰/۵۶۸	
جملات کلیشه‌ای	۰/۷۰۲	
برخورد		۰/۴۳۶
عملکرد		۰/۸۰۱

Extraction Method: Principal Component Analysis.

a. 2 components extracted.

در بخش آزمون فرضیات چند متغیره، ۲ فرضیه که عبارت بودند از رابطه معنی‌دار بین ۴ مولفه موثر بر حجاب، مورد آزمون قرار گرفتند که از میان آنها دو فرضیه مورد تایید قرار گرفت و رابطه نزدیک و معنی‌داری را نشان داده‌اند. در اینجا فقط فرضیه‌های معنی‌دار ذکر می‌شود. فرضیه شماره ۱: بین هر یک از عوامل فرهنگی و حجاب رابطه وجود دارد.

جدول ۴. محاسبه آزمون اسپیرمن جهت تست رابطه معنی‌داری دو متغیر عوامل فرهنگی و گرایش به حجاب

Correlations			حجاب	فرهنگی
Spearman's rho	حجاب	Correlation Coefficient	۱/۰۰۰	۰/۳۱۵**
		Sig. (2-tailed)	۰	۰/۰۰۰
		N	۱۹۰	۱۹۰
	فرهنگی	Correlation Coefficient	۰/۳۱۵**	۱/۰۰۰
		Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	۰
		N	۱۹۰	۱۹۰

** Correlation is significant at the .01 level (2-tailed).

با توجه به نتایج به‌دست آمده از جدول شماره ۴ و اجرای آزمون اسپیرمن دو متغیر با شدت رابطه ۰/۳۱۵ و سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۰۱، رابطه بین دو متغیر معنی‌دار، مثبت و هم‌جهت بوده است. به‌عبارت دیگر با انجام برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، گرایش به حجاب تا حد زیادی افزایش می‌یابد و بر عکس آن نیز صادق است.

فرضیه شماره ۲: بین هر یک از عوامل انتظامی و حجاب رابطه وجود دارد.

جدول ۵. محاسبه آزمون اسپیرمن جهت تست رابطه معنی‌داری دو متغیر عوامل انتظامی و گرایش به حجاب

Correlations			حجاب	انتظامی
Spearman's rho	حجاب	Correlation Coefficient	۱/۰۰۰	۰/۳۸۹**
		Sig. (2-tailed)	۰	۰/۰۰۰
		N	۱۹۰	۱۹۰
	انتظامی	Correlation Coefficient	۰/۳۸۹**	۱/۰۰۰
		Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	۰
		N	۱۹۰	۱۹۰

** Correlation is significant at the .01 level (2-tailed).

با توجه به نتایج به‌دست آمده از جدول شماره ۵ و اجرای آزمون اسپیرمن دو متغیر با شدت رابطه ۰/۳۸۹- و سطح معنی‌داری کم‌تر از ۰/۰۰۱، رابطه بین دو متغیر منفی و معکوس بوده است. به عبارت دیگر با گسترش طرح تشدید مبارزه، از میزان گرایش به حجاب به میزان زیادی کاسته می‌شود و بر عکس آن نیز صادق است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

حجاب که یک مقوله مهم در جامعه محسوب می‌شود، با توجه به موقعیت‌های مختلف افراد (جامعه نمونه) متفاوت بوده است. این روند خود نشان‌گر وجود رویکردهای متفاوت نسبت به حجاب در بطن و لایه‌های جامعه است. از سویی دیگر، مقوله حجاب مفهوم بسیار پیچیده‌ای است که با تمامی ارکان جامعه می‌تواند ارتباط تنگاتنگی داشته باشد. پیچیدگی آن به حدی است که زنان و دختران اذعان به رعایت درونی و اختیاری آن نموده‌اند در حالیکه نحوه برخورد با مقوله حجاب از جانب سازمان‌های متولی، بینش معکوسی است. وجود دو نوع برخورد با حجاب هم از جانب شهروندان (درونی و اختیاری) و هم از جانب متولیان (اجباری و بیرونی) منجر به شکاف بین پوشش واقعی زنان و دختران (پوشش اجباری) با پوشش ایده‌آل آنان (پوشش اختیاری) شده است که عمیق‌تر شدن روند این شکاف، به‌وضوح در جامعه قابل مشاهده و استنباط است.

گریز از حجاب اجباری (حجاب‌گریزی) در مرحله اول عدم پذیرش وسیله که همان پوشش است می‌باشد و در واقع در این مرحله هنوز اهداف هنجارمند و مشروع جامعه مورد پذیرش است اما در نهایت یک نوع خاص از عدم پذیرش وسیله (پوشش) و هدف (اهداف مشروع جامعه) به‌وجود می‌آید و با جایگزینی وسایل و اهداف حجاب‌گريزان مواجه خواهیم شد. تحقق این روند می‌تواند خطری بسیار جدی برای جامعه محسوب گردد که تنها راه مقابله مهندسی فرهنگی و تغییر ساختاری است و نه تشدید مجازات‌ها. چون برخورد اخیر تنها منجر به جریح‌تر شدن خواهد شد.

رویکرد حجاب نزد دختران و زنان (۲۵-۱۵ سال) با توجه به محیط‌های چهارگانه اجتماعی نیز متفاوت بوده است. محجبین بیشتر محیط‌های اجباری را می‌پسندند اما بدحجاب‌ها و با حجاب‌ها (طیف متوسط) بر محیط‌های اختیاری بیشتر تاکید می‌ورزند.

به‌طور کلی؛ از جمله معرف‌های بسیار مهم، فقدان الگوهای عینی در زمینه مسائل مرتبط با حجاب است که یکی از معرف‌های مهندسی فرهنگی بوده، براساس نتایج حاصله این معرف بر تغییر رویکرد از بدحجابی به سمت حجاب‌گرایی بسیار موثر می‌باشد. تاثیر این متغیر به‌طور

مستقیم و غیرمستقیم تا پوشش ۵۰ درصدی از کل معرف‌های دیگر بر متغیر وابسته رسیده است. از سویی دیگر دو عامل بسیار موثر در جمع‌بندی معرف‌ها و تلخیص آنها، مهندسی فرهنگی و عامل انتظامی بوده است که زنان و دختران بیشتر به سمت مهندسی فرهنگی در نهادینه نمودن حجاب قائل بوده‌اند و تشدید در برخورد که همان عامل انتظامی است.

پیشادات مبتنی بر یافته‌های پژوهش و تجربیات پژوهشگر

۱. تلاش در جهت کاهش شکاف بین پوشش واقعی مورد استفاده زنان و دختران با پوشش ایده‌آل آنان؛
۲. ارائه الگوهای جدید و نو از سیره و زندگی بزرگان دینی و مذهبی و پرهیز از کلیشه‌ای و تکراری عمل کردن در این زمینه؛
۳. "اصلاح فرهنگی" (مهندسی فرهنگی) جایگزین برخورد ساختاری و خشن (مهندسی انتظامی) گردد؛
۴. تعریف جدیدی از حجاب و اصول و موازین آن در چهارچوب موازین دینی و شرع ارائه گردد. به نحوی که با شرایط و سطح تفکر زنان و دختران هم‌خوانی داشته باشد. ارائه الگویی جدید از حجاب همانند: کشورهای مسلمان مالزی و اندونزی؛
۵. باید به زنان و دختران فهماند که حجاب‌گریزی با عدم امنیت برای آنها، رابطه معنی‌داری خواهد داشت. در شرایطی که حجاب مناسبی ندارند می‌تواند خطرناک و نسبت به آنها تعرض و مزاحمت ایجاد شود.

فهرست منابع

- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۵)؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه: علی محمد حاضری و دیگران، چاپ دوم، تهران، انتشارات تابان.
- حجازی، الهه و دیگران (۱۳۸۲)؛ روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ هفتم، تهران، نشر آگاه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)؛ زن در آئینه جلال و جمال، قم، اسراء.
- دواس، دی‌ای (۱۳۷۶)؛ پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ نایبی، تهران، نشر نی.
- دهقانی، محسن (۱۳۸۶)؛ منطق کرامت زن، قم، شهاب الدین.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۷)؛ تاثیر بدحجابی بر کارکرد خانواده و امنیت اجتماعی، مقاله ارایه به صورت سخنرانی در اولین همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی استان کردستان، سنندج.
- صادقی، حسن (۱۳۸۲)؛ معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، تهران.
- صفیاری، مسعود (۱۳۸۹)؛ راز حجاب، قم، نورالسجاد.
- فرجاد، محمد حسین (۱۳۷۱)؛ جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، چاپ دوم، تهران، آگه.
- کیانی، مژده (۱۳۸۵)؛ کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی"، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲)؛ مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲)؛ بحارالنوار، ج ۱۰۳، قم، اسوه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)؛ مسئله حجاب، تهران، صدرا.
- معلوف، لوئیس (۱۳۷۸)؛ المنجد فی اللغة، ج ۱، چاپ چهارم، قم، نشر بلاغت.
- ملایی، کامبیز (۱۳۸۷)؛ بررسی عوامل موثر بر حجاب‌گریزی زنان و دختران شهر سنندج، کارفرما: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی استان کردستان، سنندج.
- واخ، یواخیم (۱۳۷۹)؛ جامعه‌شناسی دین، ترجمه: جمشید آزادگان، تهران، سمت.